**ابعاد تمدنی پیاده‌روی زیارت اربعین**

**بسم اللّه الرّحمن الرّحیم**

1- حضرت امام خمینی«رضوان‌اللّه‌تعالی‌علیه» در رابطه با سیاسی و تمدن‌سازبودن عزاداری برای امام حسین(علیه السلام) می‌فرمایند:

«شما انگيزه‌ی اين گريه و اين اجتماع در مجالس روضه را خيال نكنيد كه فقط اين است كه ما گريه كنيم براى سيد الشهدا. نه سيد الشهدا احتياج به اين گريه‏ها دارد و نه اين گريه‏ها خودش- فى نفسه- كارى از آن مى‏آيد، لكن اين مجلس ها مردم را همچو مجتمع مى‏كنند و يك وجهه مى‏دهند، سى ميليون، سى و پنج ميليون جمعيت در دو ماه محرّم و خصوصاً دهه‌ عاشورا، ... جنبه سياسى اين مجالس بالاتر از همه جنبه‏هاى ديگرى است كه هست. مسأله، مسئله گريه نيست. مسأله، مسئله تباكى‏ نيست‏. مسأله، مسئله سياسى است كه ائمه ما با همان ديد الهى كه داشتند، مى‏خواستند كه اين ملت‌ها را با هم بسيج كنند و يكپارچه كنند از راه‌هاى مختلف. اين‌ها را يك‌پارچه كنند تا آسيب‏پذير نباشند. مسائل اسلام، مسائل سياسى است و سياستش غلبه دارد بر چيزهاى ديگرش». ( صحيفه امام، ج‏13، ص: 323)

ملاحظه می‌فرمایید که امام خمینی«رضوان‌اللّه‌تعالی‌علیه» به ظرفیت عزاداری امام حسین(علیه السلام) نظر دارند که چگونه در این عزاداری‌ها و زیارت‌ها قلوب متحد می‌شوند و این امر با رخداد اربعینی این سال‌ها به اوج خود رسیده است.

2- رخداد اربعینیِ سال‌های اخیر توانسته است جمع بین زیارت امام حسین(علیه السلام) و ثواب آن زیارت در اربعین و ثواب آن به صورت پیاده‌روی را جمع کند تا حادثه‌ای تاریخی بیافریند و تشیّع را به بلوکی خاص، یعنی بلوکی ماوراء مرزهای ملّیتی تبدیل کند و تشیع را متوجه مشترکات فراملی‌اش بنماید، به طوری که می‌توان گفت: در رخداد اربعینیِ سال‌های اخیر، انقلاب اسلامی از مرز ایران فراتر رفته است تا جهان اسلام به آرمان اصلی انقلاب اسلامی که اتحاد جهان اسلام و اجتماعِ مِن القلوب است نزدیک شود.

3- برای آن‌که متوجه‌ی حضور تاریخی خود از جنس اربعین در آینده باشیم نیاز به عقلی خاص داریم و آن عقلی است که متوجه‌ی روح زمانه باشد. در این رابطه حضرت صادق(علیه السلام) می‌فرمایند: در حکمت داود هست؛ «عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفاً بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظاً لِلِسَانِهِ»(الكافي، ج‏2، ص 116) بر عاقل است که زمانه‌اش را بشناسد و براساس شأنش با زمانه‌اش برخورد کند و زبان خود را از هرگونه سخن‌گفتن که مطابق زمانه‌اش نيست باز دارد. و یا می فرمایند: «الْعَالِمُ‏ بِزَمَانِهِ‏ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِس»؛[[1]](#footnote-1) بر آن‏كس كه به زمانه‏ى خود داناست، اشتباهات هجوم نمى‏آورند. لذا در این رابطه باید گفت: ضرورت تاریخی، که ما به فهم آن بسیار نیاز داریم با درک زمان و امکان‌های آن فهمیده می‌شود.

در فهم آن‌که تحول تاریخی ابتدا به اراده‌ی الهی در دل‌ها رخ می‌دهد همین بس که مقام معظم رهبری«حفظه‌اللّه» با نظر به چنین جایگاهی که از حضرت امام یافته‌اند می‌فرمایند: «ملت ايران با رهبرىِ آن مرد عظيمى‏ كه بلاشك خداوند لمعه‏اى و لمحه‏اى از انوار طيبه در وجود او قرار داده بود، دنباله‏ى همان راه را به‏كار گرفت».(21/ 11/ 1390) یعنی ملت ایران در حرکات خود ذیل پرتو انوار الهی کار را جلو می‌برند.

4- از امام صادق(علیه السلام) به يکي از ياران‌شان مي‌فرمايند: «زُرِ الْحُسَيْنَ وَ لَا تَدَعْهُ. قَالَ: قُلْتُ مَا لِمَنْ أَتَاهُ مِنَ الثَّوَابِ؟ قَالَ: مَنْ أَتَاهُ مَاشِياً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَى عَنْهُ سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ دَرَجَةً. فَإِذَا أَتَاهُ، وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكَيْنِ يَكْتُبَانِ مَا خَرَجَ مِنْ فِيهِ مِنْ خَيْرٍ وَ لَا يَكْتُبَانِ مَا يَخْرُجُ مِنْ فِيهِ مِنْ شَرٍّ وَ لَا غَيْرَ ذَلِكَ. فَإِذَا انْصَرَفَ وَدَّعُوهُ وَ قَالُوا: يَا وَلِيَّ اللَّهِ مَغْفُوراً لَكَ أَنْتَ مِنْ حِزْبِ اللَّهِ وَ حِزْبِ رَسُولِهِ وَ حِزْبِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِه، وَ اللَّهِ لَا تَرَى النَّارَ بِعَيْنِكَ أَبَداً وَ لَا تَرَاكَ وَ لَا تَطْعَمُكَ أَبَداً». حسين(علیه السلام) را زيارت كن و آن را ترك مكن. مي‌گويد: عرض كردم: ثواب كسى كه آن حضرت را زيارت كند چيست؟ حضرت فرمودند: كسى كه پياده زيارت كند آن حضرت را، خداوند به هر قدمى كه برمى‏ دارد، يك حسنه برايش نوشته، و يك گناه از او محو مى‌‏فرمايد و يك درجه مرتبه‏اش را بالا مى‌‏برد. و وقتى به زيارت رفت، حق تعالى دو فرشته را موكّل او مى‏‌فرمايدكه آنچه خير از دهان او خارج مي‌شود را نوشته و آنچه شرّ و بد مى‏‌باشد را ننويسند. و وقتى برگشت با او وداع كرده و به وى مى‏‌گويند: اى ولىّ خدا! گناهانت آمرزيده شد. و تو از افراد حزب خدا و حزب رسول او و حزب اهل بيتِ رسولش مى‌‏باشي، به خدا قسم! هرگز تو آتش را به چشم نخواهي ديد و آتش نيز هرگز تو را نخواهد ديد و تو را طعمه‌ي خود نخواهد نمود. (كامل الزيارات، ص134)

توجه داشته باشيد که سؤال‌کننده از ثواب زيارت امام حسين(علیه السلام) مي‌پرسد و حضرت زيارت با پای پياده را به ميان مي‌آورند و مي‌فرمايند: «مَنْ أَتَاهُ مَاشِياً» تا روشن شود حضرت، به زيارت‌کردن به صورت پياده نظر دارند. در جایی دیگر داریم برای هر قدمی که برای آن زیارت برمی‌دارد مانند کسی است که با خون خود در راه خدا شهید شده « الْمُتَشَحِّطُ بِدَمِهِ‏ فِي‏ سَبِيلِ‏ اللَّه‏».

5- رهبر معظم انقلاب«حفظه‌اللّه» می‌فرمایند: در دنیا سعی می کنند که نگذارند این نورافکن قوی دیده شود. لکن نمی توانند؛ دیده خواهد شد. تا وقتی ادامه دادید حرکت را، ناچار حقیقت خود را آشکار خواهد کرد.( ۱۳۹۵/۰۹/۰۳)

یا در جایی دیگر می فرمایند:

«شما ببینید برای اینکه ده هزار نفر، پنجاه هزار نفر را یک جا جمع کنند، چقدر تلاش تبلیغاتی در دنیا انجام میگیرد، آخرش هم نمی‌شود. اینجا با وجود موانع فراوان، از ایران فقط دو میلیون نفر برای پیاده‌روی هشتاد کیلومتری - برای پیاده‌روی، نه برای لذّت‌بردن و در هتل لمیدن- بلند می‌شوند می‌روند کربلا؛ چند برابر آن [هم] از خود عراق و از مناطق دیگر؛ **این یک حادثه‌ی الهی است**، **این یک پدیده‌ی الهی است**؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که این راه، راه عشق است؛ منتها نه عشق مجنونانه، عشق همراه بصیرت است. بنابراین کار، کار بزرگی است؛ پدیده، پدیده‌ی عظیمی است».( ۱۳۹۵/۰۹/۰۳)

6- رخداد اربعینیِ سال‌های اخیر، امکان حضور در تاريخي ديگر را برای ما ظاهر می‌نماید تا برای هرکس معلوم شود احساس حضور تاریخی یعنی چه و چگونه می‌توان از آن طریق با اصحاب اباعبداللّه(علیه السلام) هم‌احساس شد، احساسی فراتاریخی. که البته اين از آن جهت که بايد ماوراي عقل مدرن به موضوعي نظر کند که فعلاً در حال تولد است ،کار آسانی نیست[[2]](#footnote-2)

7- بدون درک زمانه، هيچ قدمي به سوي آينده‌ي خود نمي‌توان برداشت و رخداد اربعين در اين تاريخ، نظر به زماني است که مي‌توانيم با قرارگرفتن در آن، سرنوشت خود را از بند غرب آزاد کنيم و تاريخ پايان‌يافتگي غرب را نشان دهيم که این همان تاريخِ سست‌شدن عهد انسان با سکولاريته و اقامه‌ي رابطه‌ي انسان با خداست. زیرا با رخداد اربعين در این تاریخ، اعتراض انسان به اومانيسم و به تقليل گوهر آدمي، شروع شده است و چيزي در انسانِ اين تاريخ رخ داده و بر هستي او حاکم گرديده که ديگر نمي‌تواند در تاريخي زندگي کند که قوام آن را اومانيسم شکل داده باشد.

8- ما همان‌طور که در سنن الهي قرار داريم، اگر از حضور خود در آن سنن آگاه شويم راهِ آينده نسبت به آن سنن در مقابل ما گشوده مي‌شود. به همين معنا باید متوجه باشیم ما در تاريخي هستيم که اربعين به صورتي خاص ظهور کرده که اگر از حضور خود در اين رخداد آگاه شويم و صبر پیشه کنیم، راهِ آينده‌ي تاريخ ما در مقابل ما گشوده خواهد شد و ديگر در توهّمات بشرِ غرب‌زده قدم نخواهيم زد. لذا رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند:

«هدفِ دور را نگاه کنید، قلّه را نگاه کنید؛ ببینید پیام حقیقی انقلاب و نظام اسلامی چیست و ملّت ایران را و امّت اسلامی را و در نهایت جامعه‌ی بشری را به سمت چه هدفی می‌خواهد حرکت بدهد؛ به آن‌جا نگاه کنید. حرکت انقلاب اسلامی یک چنین صبری را لازم دارد..... اگر صبر کردیم، افق‌های دور مال ما است؛ اگر شما امروز ایستادید، نسل‌های آینده به آن قلّه دست خواهند یافت. آن‌ها به قلّه می‌رسند امّا این هنر شما است، این کار شما است. البتّه من امیدوارم به توفیق الهی شما جوان‌های امروز هم، نسل امروز هم، آن روز را مشاهده کنید و به توفیق الهی مشاهده خواهید کرد. انقلاب، ریشه‌دار است، آینده‌دار است و نیازمند استمرار است».( ۱۳۹۷/۰۴/۰۹)

رهبر معظم انقلاب«حفظه‌اللّه» در صحبت با اعضای مجلس خبرگان در تاریخ 13/6/93 می‌فرمایند:

«ما به مسائل جهانی و مسائل منطقه‌ای و از جمله مسائل کشورمان، باید نگاه کلان و جامع داشته باشیم؛ این نگاه کلان، به ما «معرفت» و «بصیرتی» را عطا می‌کند که اولاً: موقعیت خودمان را، جایگاه خودمان را، ایستگاه خودمان را در وضع کنونی بازیابی کنیم و بفهمیم در چه وضعی قرار داریم؛ بعد هم به ما تعلیم می‌دهد که برای آینده چه باید بکنیم».

9- در موضوع شناخت چیستی یک حرکت قدسی و اشراق آن بر قلب مردم؛ نظر عزیزان را به آیات زیر جلب می‌کنم:

خداوند در آیه‌ی 52 سوره‌ی آل‌عمران می‌فرماید: «فَلَمَّا أَحَسَّ عيسى‏ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قالَ مَنْ أَنْصاري إِلَى اللَّهِ قالَ الْحَوارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ اشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛ چون بنی‌اسرائیل به جای ایمان به حضرت عیسی(علیه السلام) به او کفر ورزیدند و حتی نقشه‌ی به قتل‌رساندن او را کشیدند، حضرت خطاب به آن‌ها گفت: شما کدامتان حاضرید در مسیر إلی اللّه مرا یاری کنید؟ حواریون در جواب به حضرت گفتند: ما آماده‌ایم به عنوان یاران خدا به خداوند ایمان آوریم و تو نیز گواه باش که ما اسلام آوردیم. تا این‌جا خبر از سخنانی است که بین حضرت عیسی(علیه السلام) و حواریون انجام شده، ولی در آیه‌ی 111 سوره‌ی مائده می‌فرماید: «وَ إِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بي‏ وَ بِرَسُولي‏ قالُوا آمَنَّا وَ اشْهَدْ بِأَنَّنا مُسْلِمُونَ» به یاد آور آن‌گاه که وحی کردم به حواریون که به من و به رسول من ایمان آورید؛ آن‌ها گفتند ایمان آوردیم و گواه باشد که ما اسلام آوردیم.

ملاحظه کنید چگونه خداوند در آن تاریخ برای دگرگونی حاکمیت بنی‌اسرائیل نه‌تنها به حضرت عیسی(علیه السلام) وَحی می‌کند، بلکه به یاران حضرت نیز یک‌نوع وَحی می‌شود تا شعور لازم جهت فهم اراده‌ی الهی در آن تاریخ را در خود حسّ کنند و با حضرت عیسی(علیه السلام) یک‌نوع همسنخی جهت ظهور تاریخی جدید داشته باشند.

همین موضوع در نسبت رسول خدا(صلوات الله وسلامه علیه) و یاران حضرت ملاحظه می‌شود، آن‌جا که در آیه‌ی 84 سوره‌ی آل عمران می‌فرماید: «قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ عَلَيْنا... » ای پیامبر بگو به خدا و به آن‌چه بر ما نازل شد ایمان آوردیم. ملاحظه کنید که می‌فرماید آن‌چه بر ما نازل شد، نه آن‌چه فقط بر منِ رسول خدا نازل گشت زیرا در آیه‌ی 44 سوره‌ی نحل می‌فرماید: «وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُون‏»؛ ما قرآن را به طور مشخص بر تو نازل کردیم تا آن‌چه بر مردم نازل شده است را برایشان تبیین کنی، امید است به تفکر برسند.

با توجه به مسئله‌ی فوق و درک اشراقی که بر قلب مردم شده است؛ حضرت امام«رضوان‌اللّه‌تعالی‌عليه» می‌فرمایند: «اگر من هم برگردم ملت اسلام برنمى‏گردد. اشتباه نكنيد، اگر خمينى هم با شما سازش كند ملت اسلام با شما سازش نمى‏كند»،[[3]](#footnote-3)

10- با توجه به آیات فوق باید متوجه بود تحولات تاریخی ابتدا در دل‌ها رخ می‌دهد و از این جهت دل‌ها دگرگون و خواستن‌ها عوض می‌شود زیرا دل‌ها متأثّر از اراده‌ی خاص حضرت حق در دوران خود می‌باشند و وظیفه‌ی اندیشمندان، که آن‌ها نیز از تجلیات اراده‌ی الهی متأثّرند، متذکّرکردن انسان‌ها است در راستای اراده‌ی الهی، تا سستی و تنبلی و امیال نفس امّاره، مردمان را از تجلّیات الهی محروم نکند و وصله‌ی اصلی ما در این نشست در این زمان می‌تواند چنین موضوعی باشد.

11- هرکس که در تاریخ خود اندیشمندانه به مردم خدمت کرد، به آن جهت بود که متوجه عقلی شد که در آن زمان ظهور کرده و متواضعانه به آن عقل گوش سپرد و اگر در تاریخ فلسفه به زمان‌هایی برخورد می‌کنیم که فلسفه دارای شکفتگی و تازگی است؛ زمان‌هایی است که اندیشمندان به زندگی مردمان نظر داشتند و محدود به مفاهیم انتزاعی نبودند، بلکه رسولانِ این پرسش بودند که: «در آن تاریخ چه نسبتی باید با جهان خود و گذشته و آینده داشته باشند؟ مقصد کجا است و از چه راهی می‌توان به آن رسید؟» تا گام در راه‌های موهوم نگذارند.

حساسیت به موضوع فوق، ما را بر آن می‌دارد که نسبت به جایگاه خود در این تاریخ با جدیتِ تمام بیندیشیم و به راهی که خداوند از طریق رخداد اربعینی در مقابل ما قرار داده، فکر کنیم. زیرا رسول خدا(صلواات الله وسلامه علیه) فرمودند: «الْأُمُورُ مَرْهُونَةٌ بِأَوْقَاتِهَا»[[4]](#footnote-4) وقوع حادثه‌ها در گرو وقت و تاریخ خاص آن‌ها است.

12- ما در تاریخی قرار داریم که نه تاریخ تجدد است و نه تاریخ گذشته‌ای که پشت سر گذارده‌ایم. از یک طرف نمی‌خواهیم در «اکنونی» باشیم که متعلّق بین تجدد و دوران گذشته است، و از طرف دیگر به جهت تعلقی که به تجدد داریم، گشودگیِ آینده‌ای را که با انقلاب اسلامی و حرکت اربعینی شروع شده است جدّی نمی‌گیریم. و **این درد دوران ما است** که تنها با درک گذشته‌ی خود و توجه به امکاناتی که با انقلاب اسلامی برای آینده‌ی ما رقم خورده، می‌توانیم از این درد آزاد شویم.

13- زندگی در سایه‌ی تجدد ما را گرفتار انواع گسستگی‌ها کرده ‌است، زیرا تجدد در زمینی دیگر و در تاریخی دیگر شکل گرفته است. لذا اگر هزار سال هم برای تحقق تجدد در جهان اسلام تلاش کنیم باز هزار سال ناظر گسستگی بین علم و فرهنگ و دیانت خود هستیم مگر آن که به خود آییم و به خود برگردیم و روح تاریخ خود را در متن انقلاب اسلامی با آن‌چه در رخداد اربعینی تجربه می‌کنیم، به فعلیت درآوریم. زیرا ما با توجه به تاریخ و فرهنگ خود تنها با معارف عرفانی حضرت روح اللّه«رضوان‌اللّه‌تعالی‌علیه» و سیره‌ی امامان به‌خصوص امام حسین(علیه السلام) می‌توانیم خود را بشناسیم و به انسجامی که هر جامعه بدان نیاز دارد دست یابیم.

14- دنیای جدید با نظر به زندگیِ بیولوژیکِ آدمیان قوام یافته و آن صورتی است از به کارگیری عقل برای برآوردن نیاز‌های زیستی. عقلِ این فرهنگ،‌ عقلی نیست که نظر به حقایق عالَم قدس داشته باشد، عقلی است که تماماً بشریت را زمینی می‌نگرد و حاصل این نوع نگاه، جهانی است که ما با آن روبه‌روییم. آیا معتقدین به اسلام و سیره‌ی امامان معصوم به این نتیجه نرسیده‌اند که برای عبور از چنین جهانی باید عقل دیگری به صحنه آید، عقلی که نه عقلِ مفهومی و کلامی است و نه عقل تجدد، عقلی است که نظر به حقیقت دارد و حضرت امام حسین(علیه السلام) راه عبور از عقلِ اُموی را در مقابل گشود و امام خمینی«رضوان‌‌الله‌تعالی‌عليه» به کمک سیره‌ی امام حسین(علیه السلام) در این تاریخ راهی در مقابل بشریتِ این دوران گشود که به کمک آن از عقل جزئی تجدد می‌توان عبور کرد.

15- انقلابی‌بودن و وفاداری به انقلاب اسلامی در گرو عهدی است که باید با حقیقت برقرار کرد به همان معنایی که بنیانگذار انقلاب یعنی حضرت روح اللّه«رضوان‌اللّه‌تعالی‌عليه» فرمود: «من با خدای خود پیمان بسته‌ام که رضای او را بر رضای مردم و دوستان مقدم دارم، اگر تمام جهان عليه من قیام کنند دست از حق و حقیقت برنمی‌دارم».[[5]](#footnote-5) در این نگاه ما از تاریخی که حقیقت را نسبی می‌داند عبور می‌کنیم، ولی از وسعت متفاوت انسان‌ها نسبت به رجوع به حقیقت غافل نمی‌مانیم و بدین معنا می‌توانیم نظام اسلامی را نظامی مردمی و چندصدایی دانست و در عین نظر به حقیقت، جایگاه افراد و جریان‌ها را تعیین نمود و این آن نحوه اندیشه‌ای است که می‌تواند مبنای تمدن اسلامی شود.

والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته

1. - تحف العقول عن آل الرسول(صلواات الله وسلامه علیه)ص 356. [↑](#footnote-ref-1)
2. - حضرت امام عسکري(علیه السلام) بعد از سخت‌گیری‌های متوکل و آماده‌شدن شرایط برای حضور تاریخی شیعیان توسط پاس‌داشت اربعین، یکی از علامات مؤمن زیارت امام حسین(علیه السلام) در اربعین اعلام می‌کنند و مي‌فرمايند: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ؛ صَلَاةُ الْإِحْدَى وَ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخَتُّمُ‏ فِي‏ الْيَمِينِ‏ وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ‏». [↑](#footnote-ref-2)
3. - صحيفه امام، ج‏1، ص 303 [↑](#footnote-ref-3)
4. - درر الأخبار، ص 532. [↑](#footnote-ref-4)
5. - صحیفه‌ی امام، ج 21، ص 330. [↑](#footnote-ref-5)